

## فهرست

- ۸ ..... به هر چه فکر کنید، آن را جذب می‌کنید
- ۱۱ ..... شجاعت بزرگ فکر کردن!
- ۱۵ ..... چگونه توفیق الهی را همراه خود سازیم؟
- ۱۷ ..... وقتی برای فکر کردن
- ۲۱ ..... آیا بزرگترین عبادت را می‌شناسید؟
- ۲۵ ..... هفتاد سال عبادت در یک ساعت
- ۲۹ ..... بخشش گناهان در وادی تفکر
- ۳۱ ..... تشییع جنازه، ایستگاه بزرگ تفکر
- ۳۵ ..... قلب خود را چگونه زنده نگاه داریم
- ۳۸ ..... آینه‌ای که خود را در آن دیدم
- ۴۲ ..... انتظار، اندیشه‌ای زیبا
- ۴۶ ..... آیا جنون عشق، ارزش است؟
- ۴۹ ..... تفکر و پندگیری از همه چیز

- ۵۷ .....چمنزاری برای درازگوش خدا.
- ۶۰ .....راه رسیدن به دعای بزرگ
- ۶۲ .....قدرت عجیب ذهن من
- ۶۵ .....هدف‌گرایی و سلامت اندیشه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از اینکه تصمیم گرفته‌اید این کتاب را مطالعه کنید از شما تشکر می‌کنم و خوشحالم که شما هم به تفکر، اهمیت می‌دهید. کتابی که در دست دارید به شما کمک می‌کند تا با ارزش تفکر در آموزه‌های دینی، بیشتر آشنا شوید.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب آسمانی ما، تأکید بر تفکر و اندیشه است و چه زیبا است که پیروان این مکتب در زندگی خود به این نکته، توجه بیشتری داشته باشند. تلاش ما بر این بوده است که همگام با سخنان نورانی اهل بیت علیهم‌السلام از مباحثی که در مورد تفکر در جهان امروز مطرح است نیز بهره‌مند شویم. این کتاب می‌خواهد شما را با قانون جذب آشنا سازد، قانونی که برای اولین بار در کلام حضرت علی علیه‌السلام به آن اشاره شده است.

قانون جذب می‌گوید: «به هر چه بیندیشی آن را به سوی خود جذب می‌کنی». شما می‌توانید با آگاهی از این قانون، زندگی خود را متحول کنید. بسیار خوشحال می‌شوم که از نظرات شما در مورد این کتاب بهره ببرم، منتظر شما هستم.

قم، فرودین ۱۳۸۷  
مهدی خدامیان آرانی

به هر چه فکر کنید، آن را جذب می‌کنید

آیا تا به حال به این نکته توجه کرده‌اید که چرا گروهی از مردم، همواره در فقر و فلاکت زندگی می‌کنند؟

آیا فکر کرده‌اید چرا عده‌ای از مردم، همیشه در بیماری به سر می‌برند؟  
و از آن مهم‌تر اینکه گروهی دیگر از انسان‌ها در زندگی خود صحنه‌هایی از کارهای خوب و زیبا می‌آفرینند و مایه افتخار جامعه می‌شوند و بر عکس، افرادی را می‌بینیم که گویی کار دیگری به غیر از شرارت نمی‌توانند بکنند.

خواننده عزیز!

در اینجا می‌خواهم شما را با قانون مهمی آشنا کنم؛ قانونی که آشنایی با آن در زندگی، تغییرات زیادی ایجاد نمود و امیدوارم همان‌گونه که آگاهی با این قانون کمک شایانی به من در راه کمال و موفقیت نمود، برای شما هم مفید واقع شود.  
قانون جذب می‌گوید:

«به هر آنچه اندیشه کنی و در مورد آن فکر کنی،

آن را به سوی خود جذب می‌کنی.

فرض کن یک ماشین مدل پایین داری که سال‌های زیادی از عمر آن گذشته باشد، وقتی با این ماشین رانندگی می‌کنید به ندرت پیش می‌آید که این ماشین به جایی یا به ماشین دیگری برخورد کند.

اما وقتی که یک ماشین نو و شیک خریداری می‌کنید، می‌بیند که در همان روزهای اول ماشین شما به جایی برخورد می‌کند و حسابی آسیب می‌بیند.

به راستی علت چیست؟

شما که همان راننده قبلی هستید و با همان مهارت، رانندگی می‌کنید، پس چطور شد که شما با آن ماشین قبلی، تصادف نکردید ولی اکنون که یک ماشین نو و شیک خریداری کردی، این تصادف برای شما پیش آمد؟

جواب این است که وقتی شما با ماشین قبلی (که یک ماشین رنگ و رو رفته بود) رانندگی می‌کردید؛ هرگز به تصادف فکر نمی‌کردید، یعنی تصوّر نمی‌کردید، این که ماشین شما به دیوار یا ماشین دیگری برخورد کند و رنگ آن برود و برای شما مهم نبود.

برای همین شما به تصادف فکر نمی‌کردید و اما اکنون که ماشین نو خریداری کرده‌اید، همواره در هنگام رانندگی با خود می‌گویید:

«نکند رنگ ماشین من صدمه‌ای ببیند؟ نکند با

دیوار برخورد کنم و از کلاس ماشین من کم شود.»

پس ذهن شما به تصادف می‌اندیشد و شما غافل هستید که ذهن انسان به هر چه

فکر کند، آن را جذب می‌کند.

ذهنی که به تصادف می‌اندیشد، آن را به سوی خود جذب می‌کند، برای همین وقتی که شما سوار ماشین شیک خود شده‌اید، صحنه تصادف برای شما پیش می‌آید.

آری، هنگامی که روی موضوعی فکر می‌کنید بی‌اختیار به سوی آن کشیده می‌شوید.

## شجاعت بزرگ فکر کردن!

از خود شجاعت نشان بده و به چیزهایی فکر کن که نهایت آرزوی تو است. تو باید فکر خود را تغییر دهی، وقتی که فکرت عوض شد، دنیای تو هم عوض خواهد شد.

به یقین بدان وقتی جرأت فکر کردن به اندیشه‌های بزرگ را پیدا کنی به جای شکست و مشکلات، با موفقیت و کامیابی رو به رو خواهی شد. حتماً دیده‌ای که بعضی از مردم فقط بلد هستند از زمین و زمان شکایت بکنند.

- چرا این همه بلا باید سر من بیاید؟!

- اُف بر این دنیا! عجب اوضاع خرابی شده است!

اما غافل از این که وقتی ذهنی فقط به سختی‌ها و بلاها اندیشه می‌کند، همان‌ها را به سوی خود جذب می‌کند.

این قانون ذهن است که به هر چه توجه پیدا کنی، آن چیز در زندگی تو رشد می‌کند و زیادت‌ر می‌شود.

به همین دلیل، ما می‌بینیم آنان که لب به شکایت می‌گشایند و از روزگار بدگویی می‌کنند هیچ وقت در زندگی خود، روی شادی و نشاط را نمی‌بینند.

پیامبر ﷺ دستور داده است تا ما هرگز به روزگار، بد و ناسزا نگوییم.<sup>۱</sup>

همه ما همچون مغناطیس هستیم. شما می‌توانید به جای فکر کردن و سخن گفتن در مورد بدبختی، در ذهن خود، جایگاه زیبایی از امید به آینده‌ای زیبا بسازید که همه موهبت‌های خدای مهربان را به سوی خود جذب کنید.

شاید شما از میزان نفوذ اندیشه اطلاع زیادی ندارید، خوب است در اینجا مثالی

بزنم:

فرض کنید به شما پیشنهاد می‌شود تا از روی تخته‌ای که در کف حیاط خانه قرار دارد راه بروید؛ این کار، بسیار ساده است.

اما اگر همین تخته را در ارتفاع بلندی قرار داده باشند و به شما بگویند از روی آن راه بروید شما از انجام آن خودداری می‌کنید.

چون اندیشه سقوط در ذهن شما چنان حکم‌فرمایی می‌کند که شما را از این کار منع می‌کند.<sup>۲</sup>

اکنون که با قانون جذب آشنا شدید خوب است بدانید که حضرت علی علیه السلام، چهارده قرن قبل، به شیوه جذب ذهن انسان، اشاره نموده‌اند.

آن حضرت فرمودند: «اندیشه کار خیر، تو را به سوی عمل به آن، جذب می‌کند».<sup>۳</sup>

و در سخن دیگر ایشان آمده است: «هر آن کس که به گناهان زیاد فکر می‌کند، گناهان او را به سوی خود می‌کشاند».<sup>۴</sup>



و در جای دیگر گفته‌اند: «هر آن کس که به لذت‌ها و هوس‌ها فکر کند، هوس‌ها بر او غلبه می‌کنند».<sup>۵</sup>

البته حضرت علی علیه السلام در این کلام خود، فکر کردن به گناهان را نه تنها مایه جذب آنها می‌داند بلکه به نکته مهم دیگری نیز اشاره می‌کند که اگر فکر کردن به گناه زیاد باشد، باعث می‌شود که انسان در گرداب گناه غوطه‌ور شود و گناه بر او غلبه پیدا کند. این نکته بسیار ارزشمندی است که اگر ما می‌خواهیم اهل تقوی و پاکدامنی باشیم باید از مرحله ذهن شروع کنیم.

ما اگر بخواهیم به گناه آلوده نشویم و به مقام بالای معنویت و کمال برسیم باید تصمیم بگیریم که به گناه فکر نکنیم.

آن کسی که ذهنی پر از تصاویر گناه دارد و کارکرد ذهن او کارکردی منفی است باید بداند که سرانجام به آتش معصیت، گرفتار می‌آید و پاکی روح خود را از دست می‌دهد.

آری، اولین اقدام شیطان برای فریب انسان، فکر گناه است، ما باید اینجا محکم بایستیم و به گناه فکر نکنیم و بدانیم که این کار، بسیار ساده‌تر و راحت‌تر از مقابله با خود گناه است.

راه کمال و سعادت این است که مواظب ذهن و فکر خود باشی و نگذاری این ساحت مقدس، به گناه آلوده شود. البته باید برای ذهن خویش افکار مثبت و زیبا آماده کنی تا ذهن به آنها بیندیشد و زیبایی‌ها در زندگی شما رشد کند و زیاد شود. وقتی تصویر یک گناه می‌خواهد در ذهن ما جای بگیرد، می‌توانیم با استفاده از قانون جابجایی، تصویر گناه را در ذهن خود با یک تصویر زیبای معاشقه با خداوند

متعال جایگزین کنیم.

برای همه ما پیش آمده است که در یک لحظه، دلمان شکسته و خداوند را از صمیم دل، صدا زده‌ایم و بعد از آن به آرامش دلنشینی، دست یافته‌ایم. ما باید این صحنه را در ذهن خود مجسم کنیم و به آن اندیشه کنیم تا این صحنه در ذهن ما رشد کند و ما به سوی آن جذب شویم و دوباره شاهد تکرار لحظات معاشقه با خداوند باشیم و به راستی که لذتی بالاتر از این لحظه‌های ناب مناجات با خدا نیست!

### چگونه توفیق الهی را همراه خود سازیم؟

یکی از امور مهمی که ما همواره باید از خداوند در دعا‌های خود بخواهیم، توفیق انجام کارهای خیر می‌باشد.

در دعا‌هایی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده است، چنین می‌خوانیم: «خدا یا! به من توفیق اطاعت خود را عنایت کن و توفیق آن چه را که مایه رضایت تو می‌شود، کرم نما».<sup>۶</sup>

در مورد توفیق و اهمیت آن سخنان زیادی از امامان معصوم علیهم‌السلام به ما رسیده است که من در اینجا به بیان گوشه‌ای از آن می‌پردازم:

حضرت علی علیه‌السلام، توفیق را به عنوان «مهربانی مخصوص خداوند» معرفی می‌کند. توفیق، بهترین و والاترین نعمت خداوند است و اساس سعادت بشر همین توفیق می‌باشد.<sup>۷</sup>

آیا شما می‌توانید به این سؤال جواب بدهید؟

ما چگونه می‌توانیم توفیق الهی را به سوی خود جذب کنیم؟

آیا راهی به ذهن شما می‌رسد که به وسیله آن بتوانیم توفیق الهی را جذب کنیم؟

آیا مایل هستید به دستوری که حضرت علی علیه السلام برای جذب توفیق الهی مطرح می‌کنند، گوش جان بسپاریم؟  
آن حضرت می‌فرماید: «هر کس در نعمت‌های خداوند اندیشه کند، به توفیق دست پیدا می‌کند».<sup>۸</sup>  
پس اگر می‌خواهی به توفیق الهی، دست پیدا کنی در نعمت‌هایی که خدا به تو داده است، اندیشه کن و ببین که خدای مهربان از همان لحظهٔ اول زندگی، چقدر در حقّ شما مهربانی و لطف نموده است.  
ما هنوز به دنیا نیامده بودیم که غذای ما را در سینهٔ مادر آماده کرد و عشق ما را در قلب پدر و مادرمان قرار داد به گونه‌ای که آنها ما را بیشتر از جان شیرین خود دوست دارند و برای پرستاری ما چه زحماتی را متحمل شده‌اند.  
به راستی، چه کسی بود که این چنین، مهر ما را در قلب پدر و مادر قرار داد؟

## وقتی برای فکر کردن

پیامبر اسلام از همه ما می‌خواهد تا وقت خود را به این چهار قسمت، تقسیم

کنیم:

۱. مناجات با خداوند
۲. محاسبه کردن نفس خود
۳. تفکر درباره نعمت‌های خداوند
۴. استفاده از لذت‌های حلال.<sup>۹</sup>

ما باید همان‌گونه که برای نماز خواندن و عبادت کردن وقت می‌گذاریم، ساعتی هم با خود خلوت کنیم و در نعمت‌هایی که خداوند به ما داده است، فکر کنیم و به این وسیله، دریایی از رحمت و توفیق الهی را به سوی خود جذب نماییم.

آیا موافقی بعضی از نعمت‌هایی که خدا به ما داده است را مورد بررسی قرار

بدهیم؟

آیا می‌دانید که در ریه‌های شما، حدود هفتصد و پنجاه میلیون بادکنک کوچک

وجود دارند که همواره از هوا پر و خالی می‌شوند و اکسیژن را به خون می‌رسانند؟

اگر قیمت هر کدام از آنها را فقط ده تومان حساب کنید (در حالی که بشر با تمام پیشرفت‌های خود از ساختن یکی از آنها عاجز است)، در همین سینه شما، هفت میلیارد و نیم تومان، سرمایه وجود دارد.

آیا اطلاع دارید که در خون شما ۳۰ هزار میلیارد سرباز سرخ‌پوش (گلبول‌های قرمز) وجود دارند که نقش خدمتگزارانی صمیمی را ایفا می‌کنند و اکسیژن را که مایه حیات سلول‌های بدن ما می‌باشد از ریه به سلول‌ها می‌رسانند و گاز کربنیک را که یک ماده کشنده و سمی است، از آنها گرفته و به ریه‌ها می‌آورند تا به این وسیله هوای تنفسی به خارج بدن دفع شود؟

در مدت ۳۰ ثانیه این گلبول‌های قرمز به تمام سلول‌های بدن سرکشی می‌کنند و با جدیت و نظم، وظیفه خود را انجام می‌دهند؛ یعنی هم به سلول‌ها غذا می‌رسانند و هم نقش یک سازمان نظافت را در بدن ایفا می‌کنند.

عجیب است که روزانه ۲۰۰ میلیارد از این سربازان سرخ‌پوش در راه انجام وظیفه خود فدا می‌شوند و برای این که در این سازمان خدمت‌رسانی، خللی ایجاد نشود معادل همین مقدار، هر روز تولید می‌شود.

آیا می‌دانید که در خون شما پنجاه میلیارد سرباز سفیدپوش نیز (گلبول‌های سفید) وجود دارد که در بدن شما نقش یک ارتش مجهز را بازی می‌کنند و به همه قسمت‌های بدن شما سر می‌زنند و هرگاه نقطه‌ای از بدن شما مورد هجوم میکروب‌ها قرار بگیرد با آنها مبارزه کرده و در راه سلامت بدن شما تا سر جان فداکاری می‌کنند، و به راستی اگر این سربازان مدافع نبودند، سلامت بدن ما در مقابل هجوم میکروب‌ها به خطر می‌افتاد.

من در اینجا می‌خواهم به نکته‌ای اشاره کنم و آن این است که انسان‌ها تا قبل از قرن هفدهم که ویلیام هاروی، گردش خون را کشف کرد، هیچ کس از این نعمت

بزرگ خبری نداست.

آری، انسان‌ها هزاران سال، از این نعمت بزرگ، بی‌خبر بودند حتی هنگامی که ویلیام هاروی در سال ۱۶۲۸ در کتاب خود به تشریح گردش خون در بدن انسان پرداخت با مخالفت شدید دانشمندان رو به رو شد.

بیست و پنج سال طول کشید تا جامعه علمی، نظریه او را پذیرفت و در این مدت، مردم او را دیوانه و مجنون می‌پنداشتند و همه پزشکان او را از خود می‌رانند.

آری، خداوند از اول خلقت انسان، در بدن او، نعمت گردش خون و گلبول‌های سفید و قرمز را قرار داده بود ولی انسان‌ها از آن غافل بودند.

به راستی اکنون هم نعمت‌های زیادی در زندگی ما وجود دارد که ما اصلاً از آنها آگاهی نداریم!

آری، نعمت‌های خداوند بسیار زیاد است و انسان قادر به شمردن آنها نیست. به هر حال اگر می‌خواهید توفیق الهی را به سوی خود جذب کنید به نعمت‌هایی که خدا به شما داده است فکر کنید.

دوست خوبم!

به جای این که به نداشته‌هایت فکر کنی به آنچه داری فکر کن که در این صورت توفیق الهی را به سوی خود جذب می‌کنی.

البته این که ما به یاد نعمت‌های خدا بیفتیم یک اثر مهم دیگر هم دارد و آن این است که محبت به خداوند متعال در دل ما جوانه می‌زند.

پیامبر فرمودند:

خداوند به حضرت داوود علیه السلام وحی کرد: ای داوود! کاری کن که

مردم مرا دوست داشته باشند.

داوود علیه السلام در جواب گفت: چگونه مردم را به سوی محبت تو

دعوت کنیم؟

خطاب رسید: نعمت‌های من را برای مردم یادآوری کن، زیرا  
هرگاه تو مردم را به یاد نعمت‌های من بیندازی، آنان به من محبت  
خواهند ورزید.<sup>۱۰</sup>

آری، چقدر زیبا است، انسان ساعتی با خود خلوت کند و بنشیند و به یاد  
نعمت‌های خدا باشد.<sup>۱۱</sup>



## آیا بزرگترین عبادت را می‌شناسید؟

همه ما می‌دانیم که کمال انسان در عبادت و بندگی خدا می‌باشد و این مطلب، بسیار روشن است که از عبادت‌های ما، هیچ نفع و سودی به خدا نمی‌رسد چون او بی‌نیاز از همه چیز می‌باشد و این عبادت‌ها برای سعادت و رستگاری خود ما می‌باشد.

در صورتی که در زندگی ما، نیایش و عبادت نباشد روح ما لطافت خود را از دست می‌دهد.

خداوند در قرآن مجید هم به این نکته اشاره می‌کند که هدف از آفرینش انسان، بندگی و عبادت او است.<sup>۱۲</sup>

به راستی با عبادت است که قلب انسان، صفا و روشنایی پیدا می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند در تورات چنین فرموده است:

ای فرزند آدم! قلب خود را برای عبادت من، خالی نما تا من هم

قلب تو را پر از ثروت و دارایی قرار دهم.<sup>۱۳</sup>

آیا شما هم با من موافق هستید که ممکن است عبادت‌های ما به یک شعار بدون

شعور تبدیل شود و هیچ زمینه فهم و درکی در آن نباشد. آیا واقعاً دین از ما می‌خواهد که فقط برای انجام وظیفه شرعی خود، مثلاً به حج برویم و مجموعه اعمالی پشت سر هم انجام دهیم، بدون آنکه از فلسفه آن آگاهی داشته باشیم.

یادم نمی‌رود آن روزی را که در مسجد «شجره»، لباس احرام به تن کرده بودم و منتظر بودم تا اذان مغرب گفته شود و به سمت مکه حرکت کنم.\* مسجد پر از جمعیت بود و مردم، گروه گروه با لباس سفید وارد مسجد می‌شدند و ذکر «اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ» را بر زبان جاری می‌کردند. در این میان چشمم به یکی از برادران ایرانی افتاد که در گوشه‌ای از مسجد به دیوار تکیه داده بود و از روی تعجب به مردم نگاه می‌کرد. نمی‌دانم چطور شد که به سوی او رفتم و با گفتگو کرده و علت تعجب او را جویا شدم.

او گفت: من سفرهای متعددی به حج و عمره آمده‌ام و همواره این سؤال را از خود کرده‌ام که حکمت این لباس سفید احرام چیست و چرا خداوند برای سفر حج و عمره این مقدمات را واجب کرده است؟ و چون جواب این سؤال را تا به حال نیافته‌ام، برای همین به دید تعجب به این مردم سفیدپوش، نگاه می‌کنم. من در جواب او گفتم: آیا می‌دانی که این سفر حج و عمره یک تئاتر مرگ است، در همه فرهنگ‌های بشری، تئاتر وجود دارد در دین ما هم حج و عمره، یک تئاتر است؛ یک تئاتر مذهبی و دینی.

او در حالی که از سخن من شگفت‌زده شده بود از من توضیح خواست و من برای

---

\* . مسجدی در نزدیکی مدینه که حاجیان در آنجا لباس احرام پوشیده و لبیک گفته محرم می‌شوند.

او گفتم که حجّ و عمره یک نمایش مرگ است و هر آن چه بر مرده حرام است از عطر و لباس دوخته و ... بر کسی که لباس احرام می‌پوشد و مُخْرَم می‌شود نیز حرام است.

در این سفر انسان به اختیار خود مرگ را تجربه می‌کند، خودش به اختیار خودش کفن می‌پوشد (همین لباس سفید احرام کنایه از کفن است که دیر یا زود بر تن ما می‌پوشانند)، این حجّ و عمره، یک سفر به سوی معشوق حقیقی است برای همین در طول این سفر باید خودبینی را کنار بگذاری، تو دیگر نباید نگاه به آینه کنی، نگاه به آینه بر مُخْرَم، حرام است، چون این کار نشانه خودبینی است. خلاصه آنکه با او سخن زیادی گفتم و آن پیرمرد در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود به سخنانم گوش می‌کرد.

او از این که سفرهای متعددی را بدون شناخت به مکه آمده بود، بسیار متأسف بود، ولی از این که این سفر را با معرفت انجام می‌داد بسیار خوشحال! این سخن حضرت علی علیه السلام است که می‌فرمایند: «در عبادتی که با فهم همراه نباشد، هیچ خیری نیست».<sup>۱۴</sup>

ما شیعیان آن حضرت باید تلاش کنیم تا سطح آگاهی، شناخت و فهم خویش را نسبت به عبادت‌هایی که انجام می‌دهیم، بیشتر کنیم.

آیا شما می‌دانید که خود همین فکر کردن، یکی از بهترین عبادت‌هایی است که به وسیله آن می‌توان به خدا نزدیک شد؟

چرا ما این طور تربیت شده‌ایم که تا سخن از عبادت به میان می‌آید فوری به یاد نماز و روزه می‌افتیم؟

چقدر زیبا بود اگر جامعه ما به آن سطح از آگاهی می‌رسید که تا واژه عبادت به میان می‌آمد، همه به یاد اندیشه و تفکر می‌افتادند.

بباید کودکان خود را به گونه‌ای تربیت می‌کنیم که بزرگترین عبادت‌ها را فهم و اندیشه بدانند.

این هدف مقدّسی است که باعث شد تا این کتاب را بنویسم و امیدوارم با کمک هم، این آینده زیبا را بسازیم.

آری ما می‌خواهیم به آن جا برسیم و البته این سخن از من نیست بلکه این آرمان مقدّس را از امام حسن عسکری علیه السلام گرفته‌ام.

اگر چه وهابی‌ها حرم مطهر آن حضرت را خراب کردند اما هرگز نمی‌توانند، مانع ترویج اندیشه‌های آن حضرت شوند. افکار ناب و گه‌ربار آن حضرت علیه السلام، در وجود هر شیعه‌ای منزل دارد.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرمایند: «عبادت به زیادی نماز و روزه نیست، بلکه عبادت، زیادی تفکر و اندیشه در امر خداوند است».<sup>۱۵</sup>

و اگر از امام صادق علیه السلام سؤال کنید که بالاترین عبادت‌ها چه می‌باشد؟ آن حضرت در جواب می‌فرمایند: «بالاترین عبادت‌ها تفکر در قدرت خداوند می‌باشد».<sup>۱۶</sup>